

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ...
سرمدبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۱۱۲ رده بندی، کنگره: ب ۵۶/۱۱۲۰

تحلیل و بررسی فقهی و حقوقی جایگاه شاهد و شهادت

در حقوق جزای جمهوری اسلامی ایران

محمد یاسین فلاح

کارشناس ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، الهیات، علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، خرم آباد

چکیده

مفهوم شهادت عبارت است از اخبار صحیح از وقوع امری در دادگاه در جهت اثبات آن و از جمله ادله اثبات جرایم شهادت شهود می باشد، در حقوق جزای ایران دو نوع شهادت پیش بینی شده است: شهادت شرعی و شهادت غیر شرعی که شهادت شرعی مستلزم اوصافی همچون: بلوغ، عقل، عدالت، طهارت مولد و ایمان برای شاهد می باشد. اما شهادت غیر شرعی دارای چنین اوصافی نیست و قدرت اثباتی دومین نوع شهادت، طبیعتاً کمتر از اولی می باشد. در حدود قصاص شهادت شرعی در اثبات این جرایم موضوعیت داشته و در مواردی که علم قاضی نیز از ادله اثبات جرایم ذکر شده می تواند در باب طریقت مطرح گردد. به عنوان مثال در جرایم تعزیری و باز دارنده حتی اگر شهادت شهود دارای اوصاف و شرایط شرعی شهادت را هم دارا باشد صرفاً ملاک، اقناع وجدان قاضی و تشخیص وی است که تأثیر یا عدم تأثیر این دلیل را بها می بخشد. شرایط فقهی شهادت سخت و دشوار بوده و تحقیق آن مطابق با جامعه امروزی مستلزم احراز شهادت عدالت شاهده درجه اول می باشد.

واژگان کلیدی: قصاص، شهادت، شاهد، حقوق جزایی ایران



مقدمه

شهادت شهود علاوه بر عرف عمومی در علم حقوق نیز یکی از اصطلاحات متداول می باشد. و از اولین ادله بشری در اثبات حق یا دفاع از اتهام بوده و تا به امروز به عنوان یکی از ادله اثبات، موجودیت خود را حفظ کرده است. حقوق اسلامی از دیرباز یکی از منابع مهم و اساس نظم حقوقی در ایران بوده و در نظام قضایی اسلام مسائل گوناگون آئین را درسی از دیرباز مورد توجه بوده و از دیگر جوامع بشری نظام یافته تر بوده و شهادت از جمله این روش ها و ابتکارها می باشد. اصولاً در اسلام برای اثبات جنایات و گناه ها دو راه اساسی وجود دارد: شهادت افراد عادل و مورد اعتماد و دیگری اقرار متهم. شهادت شهود جهت استفاده دعوی به تبعیت از فقه اسلام در قوانین جاری نیز تجلی یافته است. البته سرچشمه اصلی فقه نیز قرآن می باشد. این کتاب آسمانی در موارد متعددی به شهادت و لزوم اداء و اقامه آن در دعاوی اشاره نموده است: بقره آیه ۲۸۲ و ۲۳، نور آیه ۴، طلاق آیه ۲ و مائده آیه ۷. علی رغم اینکه اثبات هر دعوی چه مدنی و چه جزایی محتاج دلیل بوده و بدون دلیل نمی توان دعوایی را اثبات نمود، شهادت از قدیم الایام از زمره اثبات جرایم و دعاوی بوده و از تاریخ باستان این دلیل طرق سنتی خود را محفوظ داشته و به عصر حاضر در حقوق جلوه گری می نماید.

اهداف پژوهش: با عنایت به اینکه شهادت به عنوان یکی از موارد ادله اثبات دعوای جزایی نقش مهم و حیاتی و برجسته ای دارد و سرنوشت جال و مال و ناموس افراد را تعیین می کند، لذا سزاوار نیست در اثبات دعوی به امری که منشأ نامعلوم و مبهم و در نهایت غیر قابل اطمینان است، تمسک جست. بدن جهت هدف از این تحقیق اولاً: از لحاظ علمی بررسی شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوای جزایی در حقوق کیفری ایران و جایگاه آن در فقه و بررسی شرایط شاهد در فقه و حقوق جزای ایران که منبع و اساس فقهی دارد و همچنین (ثانیاً): بررسی شرایط شهادت (اداء و تحمل شهادت) در فقه و حقوق جزای ایران و همچنین (ثالثاً): بررسی تشریفات استماع شهادت و وظایف شاهد از منظر فقه و حقوق جزای ایران صورت خواهد پذیرفت.

بخش اول: تعاریف، مبانی شهادت بعنوان یکی از ادله اثبات دعوا در فقه و حقوق کیفری ایران

«شهادت یکی از راه های اثبات جرم، از جمله قتل است. شهادت از مهمترین وسائل اثبات دعوی جزایی است. برای روشن شدن مذاکرات و مباحثات و شناخت وقایع، روی این نوع دلیل است که زیاد تکیه شده و بر آن اعتقاد قاضی شکل می گیرد. بنابراین دفاع اصحاب دعوی، از طریق رد گواهان و ایراد به بیانات، به صلاحیت و شخصیت شهود در جهت سلب اعتبار و ارزش قضایی از شهادت معموله حائز اهمیت است.»

بند اول: تعریف شهادت

«شهادت» عبارت است از «اخبار صحیح از وقوع امری به منظور ثبوت آن در جلسه دادگاه» با این عنوان: «من شهادت می دهم» «من گواهی می دهم» در واقع شهادت را در اور جزایی بیان شخص است نسبت به آنچه را که از یک واقعه جزایی دیده یا شنیده است. «در فقه نیز غالباً شرط می کنند که «مشهود به» باید از دیدن، ها و شنیدن، ها باشد.»

بند دوم: تعریف شهادت از منظر فقه

واژه شهادت از ریشه عربی «شهد» گرفته شده است. به معنی دیدن، شاهد بودن و گواهی دادن است. واژه «شهادت» از مشاهده است یعنی با چشم دیدن. همچنین در اکثر کتب فقهی شهادت به معنی «گواهی دادن» بکار رفته است. «در لغت به معنی حضور و معاینه و اطلاع نیز آمده است. شهادت در فقه به معنای «بینه» نیز بکار رفته است. بینه از ریشه بیان به معنی آشکار و روشن ساختن و لذا معنی بینه هم به دلیل روشن، شاهد و گواه روشنگر است. سپس شهادت، اخبار توأم با قطع و جزم است. از وجود حقیقی برای غیر که از سوی غیر قاضی به عمل می‌آید.»



بند سوم: تعریف شهادت از نظر حقوق موضوع

«شهادت عبارت است از اینکه شخصی به نفع یکی از اصحاب دعوا و بر ضد طرف دیگر اعلام اطلاع و خبر از وقوع امری نماید»^{۳-۳} کسی که اخبار از وقوع امری در گذشته یا حال (از مسموعات یا مبصرات) می‌نماید او را شاهد گویند و امری که از وقوع آن خبر می‌دهند «مشهود به» نامیده شده و کسی که که شهادت به نفع اوست «مشهود له» خوانده می‌شود و کسی که شهادت بر ضرر و زیان اوست «مشهود علیه» نام دارد و عملی که شاهد از حیث انجام دادن عمل شهادت انجام می‌دهد «اداء شهادت» یا «شهادت دادن» می‌گویند. با مطالعه حقوق مدنی مشاهده می‌گردد که «قانون مدنی» و «آئین دادرسی مدنی» شهادت را تعریف نمی‌کنند و از اموری دانسته‌اند که بدیهی است.

بند چهارم: ادله اثبات دعوای کیفری

«ادله یا وسایل اثبات به راه‌هایی گفته می‌شود که در قانون برای اثبات امری پذیرفته شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. ماده «۱۲۸۵» ق.م. ادله اثبات را بدین ترتیب بیان کرده است: اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات و قسم. ولی قانون آئین دادرسی کیفری مبحث جداگانه‌ای را به ادله اثبات دعوا اختصاص نداده و تعریفی هم در مورد دلایل بیان نمی‌کند.

اما قانون آئین دادرسی مدنی، دلیل را تعریف کرده است. ماده «۱۹۴» این قانون مقرر می‌داند «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند».

بند پنجم: مفهوم دلیل

«در مفهوم اعم دلیل: فراهم کردن وسایلی است که وجدان دادرس را اقناع می‌نماید»^۲، «دلیل چیزی است که به واسطه آن هدایت صورت می‌گیرد»^۳. «دلیل در امور کیفری مبنای علم و یقین قاضی در اثبات یزھکاری است، مجموعه وسایلی که به کمک آن قاضی جزایی واقعیت‌ها را کشف، و بر حقایق نامعلوم آگاهی یافته پس از وقوف کامل بر وقوع جرم و شناخت فاعل مادی و معنوی آن، به تصمیم مبادرت می‌ورزد».



«دلیل در امور کیفری عبارت است از هر گونه وسیله ای که وجود یا عدم وجود امری و یا صحت و سقم ادعایی را اثبات کند و یا دلیل عبارت است از هر وسیله قانونی که مقامات قضایی را در کشف حقیقت و حصول اقناع وجدانی و اتخاذ تصمیم عادلانه یاری بخشد».

بخش دوم: جایگاه شهادت در بین ادله

شایع ترین دلایلی که در اثبات جرایم بکار می روند عبارتند از: اقرار، قسامه، علم قاضی و شهادت.

«اقرار»: عبارت است از اخبار به حقی برای غیر و بر ضرر خود و اقرار واقع می شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید (ماده ۱۲۵۹ و ۱۲۶۰ ق.م)

معمولاً در امور کیفری به جای اقرار واژه «اعتراف» را بکار می برند.

«قسامه» نوعی سوگند است که حقوق جزایی ایران آنرا مد نظر قرار داده است و تحت شرایطی برای اثبات جرم بکار برده است. «قسم» (سوگند) عبارت است از «گواه گرفتن یکی از مقدمات (بر حسب اعتقاد سوگند یاد کننده) بر صدق اظهار خود به طور قطع و علم، الا در نفی فعل غیر که باید قسم بر نفی علم باشد»^۱.

«علم قاضی» عبارت است از آگاهی و دانشی که دادرس از طریق ادله برآزی و با مطالعه و بررسی پرونده و تحقیق از اصحاب دعوا و نظر کارشناسان، حاصل می شود.

و ما «شهادت»: عبارت است از اخبار صحیح از وقوع امری به منظور اثبات آن در جلسه دادگاه.

این دلیل از مهمترین دلیل جزایی بوده و در اثبات جرایم نقش بسزایی دارد شهادت در امور کیفری عبارت است از انتقال حقیقت امری از ناحیه فردی واجد شرایط که آن را دیده و شنیده به قاضی محکمه علیه یکی از اصحاب دعوا و له دیگری با ادای سوگند و التزام به راستگویی، هر مطلبی را نمی توان شهادت نامید، بیان شخص وقتی شهادت است که گوینده تمامی شرایط شاهد را داشته باشد و واقعه را دیده یا شنیده باشد، ملتزم شود که تمام حقیقت را بیان کند و برای امر سوگند یاد کند، اظهاراتش متضمن نفعی برای یکی و زبانی برای دیگری باشد».



پس بی سبب نیست که شاهدان را چشم و گوش دستگاه قضا دانسته اند. زیرا تأثیری که اطلاعات شاهدین و مطلعین در کشف حقیقت دارد غیر قابل انکار می باشد. شهادت یکی از مهمترین طرق و راه نجاتی است که عدالت را برقرار نموده، نظم و مقررات به هم خورده اجتماعی و حدود الهی را استوار می گرداند

بخش سوم: شرایط و صفات شاهد و شهادت در فقه و حقوق موضوعه

اعتبار اعمال حقوقی منوط و مشروط به صحیح بودن اعمال و شرایط آن و پیمودن طرق این اعمال با رعایت راه های پیش بینی از منظر قانون حاکم می باشد. شهادت نیز به عنوان یکی از اعمال حقوقی از این قاعده مستثنی نمی باشد. اعتبار شهادت ادا شده به عنوان بنیه شرعی (دلیل شرعی) با اعتبار صفات موجود در خود شاهد می باشد، یعنی شاهد قبل از تحمل موضوع شهادت باید قبلاً شرایط شاهد را داشته باشد هر چند بعضی از فقها شرایط شاهد را در ادا آن استوار دانسته اند.

بند اول: شرایط ایجابی (بلوغ، عقل، ایمان، عدالت و طهارت مولد)

بلوغ: شاهد باید بالغ باشد. منظور این است که به سنی رسیده باشد که بتواند اهمیت شهادت را بفهمد، تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م می گوید: سن بلوغ در پسر پانزده سال قمری تمام و در دختر ۹ سال تمام قمری است. در این ماده با وجودی که ۹ سال تمام برای بلوغ دختران شناخته شده، ماده ۱۳۱۴ ق.م که در سال ۱۳۱۴ تصویب گردیده و بدون تغییر باقی مانده است می گوید: «شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون، شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد».

عقل: شاهد باید عاقل باشد. در قوانین ایران برای عقل و مقابل آن جنون تعریفی نشده اما طبق ماده «۱۲۱۰» ق.م «هیچکس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد». باین ترتیب اصل بر این است که پسر در سن پانزده سال تمام و دختر در ۹ سال تمام که بالغ می شود، عاقل هم هست مگر اینکه جنون او در دادگاه ثابت شود. یعنی در حقوق ایران عاقل بودن افراد در سن مقرر بلوغ اصل، و نیاز به اثبات ندارد، لیکن



جنون استثناء و محتاج اثبات در مراجع قانونی است. قانون مدنی جنون را به دو نوع تقسیم کرده: جنون دائمی: وقتی که دیوانگی پیوسته و پایدار باشد و جنون ادواری: که گاهی شخص را دچار می سازد و در غیر آن زمان در حال افاقه است. مجنون دائمی برای همیشه و مجنون ادواری در حین جنون صلاحیت ادای شهادت را ندارد.

ایمان: شاهد باید با ایمان باشد، یعنی اینکه این شرط بر مسلمان بودن شاهد، تأکید دارد یعنی در دادگاه کیفری اسلامی و نرد قاضی مسلمان تنها گواهی معتبر است که مسلمان باشد.

طهارت مولد: طهارت مولد از جمله شرایط است که برای قاضی هم لازم دیده شده است و منظور آن است که شاهد از رابطه نامشروع به وجود نیامده باشد، یعنی ولدالزنا نباشد. البته در جامعه اسلامی اصل بر طهارت مولد همه افراد است. با وجود این، موارد استثناء هم وجود دارد و ممکن است با وجود این شرط اشخاص به شاهد اعتراض کنند و دلایلی بر عدم طهارت مولد وی داشته باشند که از موارد جرح شاهد است.

عدالت: شاهد باید عادل باشد. عدالت یک صفت نفسانی است که باید با ترتیب درست به صورت ملکه ذهنی آدمی درآید تا بتواند بر امیال و غرایز نفسانی غلبه کند و مرتکب گناهان کبیره نشود. و بر گناهان صغیره اصرار نرورد.

تبصره ۱ ماده ۱۳۱۳ ق.م.تصریح کرده که عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز گردد که از جمله طرق شرعی برای احراز عدالت مصاحبت و مجالست قبلی دادرس با شاهد است. با اینکه وضع ظاهری او چنان باشد که همه به او احترام بگذارند و گمان آن نداشته باشند که در عمل او گناه و جرم وجود دارد. و تبصره ۳ ماده ۱۵۵ ق.آ.د.ک نیز بر این امر صراحت دارد.

بند دوم: شرایط سلبی شاهد

۱- عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی: شاهد نباید در قضیه ذینفع باشد. تبصره ۲ ماده ۱۳۱۳ ق.م. می گوید: «شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق رد دعوی



داشته باشد، پذیرفته نیست. کسی که ذینفع است کلمات و عبارات و سخنان نمی تواند خالی از غرض باشد؛ فلذا با این شرط تعیین تکلیف شده است».

۲- عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوا؛ قبلاً بجای وجود روابط دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوا (در قانون آئین دادرسی مدنی سابق)، وجود پرونده کیفری و یا حقوقی با یکی از طرفین قید شده بود.

یعنی شاهد نمی بایست پرونده کیفری درجه جنایی ده سال و جنحه پنج سال و دعوی حقوقی در حال حاضر با یکی از طرفین داشته باشد و هنگام سؤال از هویت شاهد، استعلام می شد که آیا پرونده کیفری قبلاً داشته یا نداشته؛ در اینجا دشمنی دنیوی مطرح شده برای اینکه اشخاص ممکن است کارشان به تشکیل پرونده کیفری یا حقوقی نرسیده ولی نسبت به مسائل مالی و خانوادگی و ... یکدیگر را دشمن دارند و این دشمنی از موانع شهادت است. زیرا بیم آن می رود این دشمنی دنیوی باعث شود که علیه آن شخص شهادت خلاف واقع بدهد. در تبصره ۱ ماده ۱۵۵ آمده «در مورد عداوت دنیوی چنانچه شهادت شاهد به نفع طرف باشد، پذیرفته می شود».

۳- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی: کسی که شغل خود را تکدی گری قرار می دهد و یا اینکه ولگرد است و جا و مکان خاصی ندارد، محل زندگی و اعاشه او معلوم نیست نمی تواند شهادت دهد، علت روشن است زیرا متکدی همواره انتظار کمک و مساعدت دیگران را دارد و متقاضی دریافت وجه است و اطمینانی به گفته اش نمی توان داشت و چه بسا با دریافت مبلغی پول شهادت دروغ بدهد و تحت تأثیر قرار بگیرد.

بند سوم: جرح و تعدیل شاهد

جرح: عبارت است ادعای فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد مقرر کرده است. هر یک از شاکی و متهم ممکن است شهود طرف را جرح کنند «جرح شاهد باید قبل از ادای شهادت به عمل آید، مگر اینکه موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود و در هر حال دادگاه موظف است، به موضوع جرح رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.» (ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک)

19



بخش پنجم: قطعی و یقینی بودن شهادت

ماده ۱۳۱۵ ق.م.مقرر می‌دارد: شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه به طور شک و تردید. قطع و یقین در اینجا به معنای علم عادی است که از راه‌های متعارف و محسوس حاصل می‌شود و قانون‌گذار اعتباری برای شهادتی که از راه حدس و گمان و شک حاصل شده باشد، قائل نیست. پس یقینی بودن شهادت باید برای دادگاه احراز شود. ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک در این خصوص آورده است: «دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و ابهام و روشن شدن موضوع لازم است از طرفین و شهود و مطلعین خواهد نمود».

بخش ششم: مطابقت شهادت با دعوا

ماده ۱۳۱۶ ق.م. این شرط را چنین بیان کرده است: «شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرری ندارد.» هدف از استناد به شهادت پی بردن به امری مجهول است که موضوع دعوا می‌باشد. پس مفاد شهادت باید مطابق با موضوع دعوا باشد وگرنه فایده‌ای بر آن مترتب نخواهد بود.

پس منظور از شرط مطابقت موضوع دعوا و موضوع شهادت، امکان اثبات دعوا از طریق شهادت است. مثلاً اگر خواهان دعوای مالکیت مطرح کند و شهود به تصرفات وی شهادت دهند باید به این شهادت ترتیب اثر داد زیرا از نظر قانون میان تصرفات و مالکیت ملازمه وجود دارد. (ماده ۳۵ ق.م.)

بخش هفتم: اتحاد مفاد شهادت‌ها

در مواردی که دعوا با تعدد شهود ثابت می‌شود مفاد شهادت‌ها باید یکسان باشد وگرنه تعارض شهادت‌ها اماره کذب خواهد بود. ماده ۱۳۱۷ ق.م. در این زمینه مقرر می‌دارد:

«شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنابراین اگر شهود به اختلاف، شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر اینکه از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی بدست آید.»



البته همانگونه که ماده ۱۳۱۶ و ۱۳۱۸ ق.م.مقرر می دارد اختلاف در لفظ مهم نیست بلکه اختلاف نباید در موضوع و معنا باشد. بر اساس ماده ۱۳۱۸ ق.م: «اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد، اشکالی ندارد».

منظور از اتحاد مفاد شهادت، اتحاد در جوهر و اساس امری است که به آن شهادت می دهند و احراز این مسئله موضوعی است و دادگاه قانون (دادگاه شکلی) ۱ نظارتی بر آن ندارد مشروط بر اینکه خلاف بین صورت نگرفته باشد وگرنه ممکن است دادگاه بالاتر نتیجه ای برخلاف نتیجه دادگاه بدوی بگیرد.

بخش هشتم: شهادت بر شهادت

یکی از اقسام شهادت، شهادت غیر مستقیم یا شهادت بر شهادت است. قانون مدنی ایران، شهادت بر شهادت را به عنوان دلیل استثنایی به رسمیت شناخته و ماده ۱۳۲۰ مقرر می دارد:

«شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری، سفر و حبس و ... نتواند حاضر شود.» ماده ۲۳۱ ق.آ.د.م شرط دیگری را نیز برای شهادت بر شهادت افزوده و آن را منحصر به دعاوی «حق الناس» کرده است؛

«در کلیه دعاوی که جنبه حقالناسی دارد (اعم از امور جزایی یا مدنی یا مالی و ...) به شرح ماده فوق، هرگاه به علت غیبت یا بیماری، سفر، حبس و امثال آن حضور گواه اصلی متعذر یا متعسر باشد گواهی بر شهادت گواه اصلی مسموع خواهد بود.» بنابراین شهادت بر شهادت نیز با حصول شرایطی معتبر است.

بخش نهم: تشریفات استماع شهادت و حقوق و تکالیف شاهد

حضور نرد مقامات قضایی و ادای شهادت یک وظیفه مهم اجتماعی تلقی می شود. چه در بسیاری از موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون معاضدت کسانیکه خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطالبی را شنیده اند میسر نیست. به همین دلیل از شهود به «چشم و گوش» دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است.



هم اکنون در اغلب کشورها برای شاهد سه وظیفه مهم: حضور در ترد مقام قضایی، اتیان سوگند و ادای شهادت وجود دارد و ضمانت اجراهای مناسب کیفری نیز برای شاهد مستتکف منظور شده است.

بخش دهم: تشریفات احضار و جلب و تحقیق از شهود

احضار شهود: شهود برای ادای شهادت احضار می شوند. احضار شهود به وسیله احضارنامه به عمل می آید. مقررات احضارنامه شهود همان است که در قانون آئین دادرسی مدنی ذکر شده است. برابر ماده ۴۰۸ قانون فوق در ابلاغ احضاریه به شهود مقرراتی که برای ابلاغ دادخواست معین است رعایت خواهد شد. در صورتی که یکی از شهود تحقیق یا مطلعین از تابعین نظامی باشد باید احضار او را لا اقل در مدت ۲۴ ساعت قبل از زمان تحقیق و محاکمه از رئیس آن دسته که شخص مزبور در آنجا مستخدم است بخواهند. و رئیس نظامی مکلف است که شخص احضار شده را در موقع مقرر به عدلیه بفرستد.

جلب شهود: هر یک از شهود تحقیق و مطلعین که احضار شده اند مکلفند در روز و وقت مقرر ترد قاضی تحقیق حاضر شوند. در صورتیکه بدون داشتن عذر موجه از حضور امتناع کنند قاضی تحقیق می تواند با اخذ موافقت دادستان دستور جلب شاهد را صادر کند.

اگر چه قانون گذار در دادرسی های کیفری، جلب شاهد را ممکن دانسته است اما الزام شاهد به ادای شهادت جایز نیست و اصل ۳۸ قانون اساسی شهادتی را که با اجبار و اکراه اخذ شده باشد بی اثر می داند.

لازم به ذکر است آنچه که در ماده ۱۵۹ ق.آ.د.ک تجویز شده است جلب شاهد پس از دو مرتبه احضار و عدم حضور وی بدون عذر موجه می باشد. ضمانت اجرای عدم ادای شهادت، عقوبت اخروی است و مجازات قانونی برای آن وجود ندارد. نکته دیگری که در خصوص جلب شاهد باید یادآور شد این است که جلب شاهد در دعاوی مدنی امکان ندارد (ماده ۸۶) اما می توان وی را در دعاوی کیفری جلب کرد و ظاهر ماده ۱۵۹ ق.آ.د.ک بیانگر وجوب حضور شاهد در دادگاه است ولی دلالتی بر وجوب ادای شهادت ندارد.



بخش یازدهم: حقوق و تکالیف شاهد

شاهد نیز در بسیاری از نظام های حقوقی، دارای حقوقی است که باید هنگام استماع شهادت، رعایت شود. مثل اصول چهارگانه زیر:

اصل اول: ضرورت اعلام و تفهیم حقوقشان شاهد به او

اصل دوم: ضرورت عدم اجبار به ادای شهادت

اصل سوم: ضرورت و الزام اتیان سوگند و اصل

چهارم: حق برخورداری از معاضدت قضایی و مشاوره با وکیل مدافع. اصل دوم و سوم در حقوق ایران پذیرفته شده و لزوم اتیان سوگند، پیش بینی شده است

مگر در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت شاهد عادل باشد و شاهد از اتیان سوگند استنکاف نماید که در این صورت بدون سوگند، شهادت وی استماع می شود.

شهادت نوعی تکلیف است (با ضمانت اجرای گناه کبیره و حرمت عدم انجام آن) که هر مسلمانی خود را ملزم به اظهار وقایع افتاده بر حسب آگاهی خویش می داند. نهایت آنکه شریعت اسلام تضمینات دقیقی برای گواهی قائل شده است.

شهود مکلف به صداقت و راستی در اظهارات خود هستند. در حقوق ایران برای کتمان شهادت در قوانین کیفری و جزایی اسلامی مجازاتی در نظر گرفته نشده و ظاهراً عمل مذکور جرم محسوب نمی گردد. ۱۰.

ماده ۱۵۹ در خصوص تکلیف شاهد برای حضور در دادگاه چنین می گوید: هر یک از شهود تحقیق و مطلعین باید در موعد مقرر حاضر شوند، در غیر این صورت عدم حضور برای بار دوم احضار می گردند، چنانچه بدون عذر موجه حضور نیابند به دستور دادگاه جلب خواهند شد. رعایت مفاد ماده ۸۶ الزامی است.



بخش دوازدهم: مطالبه هزینه

ماده ۱۶۰ ق.آ.د.ک در خصوص حق شاهد برای مطالبه هزینه‌ها چنین مقرر داشته: در صورتیکه شهود یا مطلعین برای حضور در دادگاه مدعی ضرر و زبانی از حیث شغل و کار خود شوند و یا درخواست هزینه ایاب و ذهاب نمایند دادگاه پس از تشخیص ورود ضرر، میزان آن را تعیین می‌کند و متقاضی احضار مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می‌باشد. هر گاه متقاضی احضار، توانایی پرداخت هزینه یاد شده را به تشخیص مرجع احضار کننده نداشته باشد و یا احضار به دستور مرجع رسیدگی کننده باشد از بیت المال پرداخت خواهد شد.

بخش سیزدهم: شهادت دروغ و رجوع از شهادت

الف) شهادت دروغ

دروغ به معنای مخفی نگه داشتن عمدی حقیقت است که هرگاه از سوی شاهد صورت گیرد شهادت زور نامیده می‌شود. آیات ۳۰ و ۳۱ حج، شهادت زور را شرک به خدا دانسته و مانند پرستش بت‌ها، انسان‌ها را از آن نهی کرده است. «اجتنبوا قول الزور حنفاء لله غیر مشرکین به - فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور».

هرگاه غیر واقعی بودن شهادت ناشی از قصد وتعمد شاهد باشد شهادت کذب نامیده می‌شود. اما گاهی شاهد قصد مخفی کردن حقیقت را ندارد بلکه شهادت خلاف واقع وی ناشی از خطای شاهد است. ضمانت اجرای شهادت کذب از نظر مفاد شهادت، بطلان است و از نظر شاهد، اعمال مجازات و جبران خسارت می‌باشد. ماده ۱۳۱۹ ق.م. در این زمینه آورده است: «در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود. ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک هم مقرر می‌دارد: «در مواردی که دادگاه از شهود و مطلعین در خواست ادای شهادت و یا اطلاع نماید و بعد معلوم شود که خلاف واقع شهادت داده اند اعم از اینکه به نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوا باشد علاوه بر مجازات شهادت دروغ چنانچه شهادت خلاف واقع آنان موجب وارد آمدن خسارتی شده باشد به تأدیه آن نیز محکوم خواهند شد».



(ب) رجوع از شهادت

ممکن است شهود از شهادتی که داده اند رجوع کنند؛ رجوع از شهادت بنا به عللی ممکن است. مثل تطمیع، اشتباه، عذاب وجدان، احساس گناه و شهادت بر خلاف واقع که شاهد تحت شرایطی بعد از شهادت خود از آن رجوع می کند. رجوع از شهادت در امور کیفری از دو جنبه باید مورد بررسی قرار گیرند؛ اول: حدود و قصاص و دیات و دومی: تعزیرات و مجازات های بازدارنده.

رجوع از شهادت در حدود قصاص و دیات: که این عمل می تواند قبل از اجرای حکم (یعنی حتی حکم صادر شده ولی قطعی نباشد) صورت پذیرد

یا بعد از صدور حکم قطعی و اجرای حکم صورت پذیرد که در هر مورد اثرات و عواقب مختلفی بر پرونده دعوا خواهد داشت.

رجوع قبل از اجرای حکم: در این مورد اگر حد نصاب شهود دیگر رعایت شده و شاهدانی که رجوع کرده اند از نصاب قانونی تعداد شهود کمتر نمی شوند تأثیری در پرونده نخواهد داشت اما اگر شاهد، یکی از شهود حد نصاب شهود ذکر شده باشد قاضی نمی تواند به استناد شهادت شهود یا شاهد اصدار حکم کند و باید به دنبال ادله دیگر تعریف شده قانونی باشد.

رجوع بعد از اجرای حکم: اگر پرونده بر اساس شهادت شرعی شاهد رأی صادر شده و اجرا شده باشد شاهد علاوه بر مسئولیتی که از باب سبب اقوی از مباشر مطرح است، ممکن است در معرض قصاص یا پرداخت دیه، علاوه بر مجازات شهادت کذب قرار گیرد. همچنین از پرونده بر اساس بند ۴ ماده ۲۷۲ ق.آ.د.ع.و.ا در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ می توان اعاده دادرسی کرد.

۲- رجوع از شهادت در غیر حدود و قصاص و دیات: در اثبات این نوع از جرایم چون دادرسی تنها شهادت شاهد را مد نظر قرار نداده و به شهادت به عنوان طریقت موضوع جرایم یا دعوی مدنی می نگرد



اثر زیانبار رجوع از شهادت به تناسب نسبت به آن دسته از جرایم قبلی (حدود، قصاص و دیات) کمتر بوده، زیرا ممکن است در اثبات این قبیل جرایم قناعت وجدانی و علمی که دادرس حاصل می‌نماید، شهادت چندان تأثیری در آن نداشته باشد.

۱-۲) رجوع از شهادت در دعوی کیفری تعزیری و قبل از حکم: اگر رجوع قبل از اصدار حکم باشد دادرس باید به قرائن و امارات و دلایل دیگر توجه کرده و موضوع را بدون فرض شهادت بررسی و اصدار حکم کند ضمن اینکه پیامد رجوع از شهادت متوجه شاهد خواهد بود.

۲-۲) رجوع بعد از صدور حکم و قبل از قطعی شدن آن: کسی که شهادت علیه او استفاده شده می‌تواند با استناد به رجوع شاهد از شهادت تجدید نظر خواهی نماید و این مرجع باید رسیدگی و اصدار حکم نماید.

۳-۲) اگر حکم صادره قطعی باشد یا قطعی شده باشد و اجرا شده باشد یا نشده باشد: قانون‌گذار خلاف واقع بودن شهادت گواهان، در صورتی که مبنای حکم صادره باشد را مد نظر قرار داده و از جهات اعاده دادرسی می‌داند

نتیجه‌گیری

شهادت را در امور کیفری عبارت از اخبار صحیح از وقوع امری به منظور ثبوت آن در جلسه دادگاه می‌باشد. از جمله دلایل مهم در امور کیفری که توان اثباتی بالایی داشته و قدرت تزلزل اصل برائت را از جایگاه با شکوه آن داشته «شهادت شهود» می‌باشد.

در فقه شیعه و قوانین کیفری ایران ادای شهادت یک تکلیف شرعی و قانونی بوده تا آنجائیکه قانون‌گذار جزایی حتی در صورت عدم حضور شهود در محکمه مجوز جلب وی را نیز شرح و بسط داده است اما این موضوع جدا از عدم اجبار قانونگذار جهت ادای شهادت یا گواهی وی می‌باشد

یعنی قانون‌گذار اجباری در ادای شهادت و گواهی روی افراد ندارد و این موضوع حتی در قانون اساسی اصل ۳۸ صراحتاً ذکر و تخطی از اصل مذکور دارای ضمانت اجرای کیفری می‌باشد.



در حقوق کیفری ایران ۲ نوع شهادت در نظر گرفته شده: اولی شهادت شرعی بوده که باید اوصافی از قبیل: بلوغ، عقل، ایمان، طهارت مولد، عدالت و عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا دفع ضرر از وی یا عدم اشتغال شاهد به تکدی و ولگردی باشد.

اما در صورت عدم وجود حتی یکی از موارد مذکور شهادت از شهادت شرعی خارج و توان اثباتی شهادت شرعی را نخواهد داشت. حتی در بعضی از حدود ممکن است شاهد به حد قذف نیز محکوم شود. ولی صرف نظر از مورد ذکر شده شهادت غیر شرعی می تواند به عنوان طریقت در اثبات جرایم غیر حدود و جرایمی که در قانون ذکر شده مورد استفاده دادرسی قرار گیرد. جدا از اوصاف فوق الذکر که برای شاهد در نظر گرفته شده است که می توان از آن شرایط یقینی و قطعی بودن شهادت و تطابق آن با دعوی، یکسان بودن مفاد شهادت ها در خصوصیت های مؤثر را نام برد.



منابع و مأخذ

- ۱- آخوندی، دکتر محمود، آئین دادرسی کیفری جلد ۲، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ هشتم سال ۱۳۸۲
- ۲- آشوری، دکتر محمد، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران سمت-چاپ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد چاپ هشتم، پاییز ۱۳۸۳
- ۳- آشوری، دکتر محمد، آئین دادرسی کیفری جلد ۲، تهران سمت-چاپ چهارم، سال ۱۳۸۳
- ۴- بهرامی، بهرام، بایسته های ادله اثبات دعاوی حقوق کیفری، تهران، نگاه بینه سال ۱۳۸۷
- ۵- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، تهران کتابخانه گنج دانش، چاپ دوازدهم، سال ۱۳۸۱
- ۶- حسینی نژاد، دکتر حسینقلی، ادله اثبات دعوی، چاپ اول، نشر میزان، تهران ۱۳۷۴
- ۷- دیانی، دکتر عبدالرسول، ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی، تهران تدریس، سال ۱۳۸۵
- ۸- زراعت، دکتر عباس، ادله اثبات دعوا، نشر قانون مدار، چاپ اول پاییز ۱۳۸۸
- ۹- شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق جزای عمومی جلد ۲، تهران انتشارات مجد/ژوبین، چاپ دوازدهم سال ۱۳۸۴
- ۱۰- شمس، دکتر عبدالله، ادله اثبات دعوا، حقوق ماهوی و شکلی، تهران دراک-چاپ سوم پاییز ۱۳۸۸
- ۱۱- گلدوزیان، دکتر ایرج، کلیات و مقدمه علم حقوق، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول سال ۱۳۸۶

لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژوهتر ها علمی علوم اسلامی و انسان در عصر نویسن

اکانت ایتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAOH.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی- سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵